

امام و قیام پانزده خرداد

۲۹ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۲:۲۹

علی رغم مقاومت دو ماهه دولت و شاه، به خاطر پافشاری مراجع و گسترش حرکت‌های مردمی و هراس رژیم از بیداری و آگاهی بیشتر مردم درباره برنامه‌های آینده رژیم، علم در دهم آذر ۱۳۴۱ اعلام کرد این قانون قابل اجرا نخواهد بود. این خبر، خوشحالی مردم را به دنبال داشت ولی امام خمینی فرمودند: تمام اینها خیمه شب‌بازی و دروغ است...

بدون شک یکی از مهم‌ترین وقایع دوران معاصر ما، واقعه قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ می‌باشد، که این واقعه از طرفی چون دارای ویژگی‌های منحصر به فردی نسبت به قیامها و نهضت‌های دیگر بود مورد توجه است و از طرفی چون می‌توان گفت این قیام نطفه انقلاب اسلامی ۵۷ بود، اهمیت این قیام را نزد اذهان بیشتر می‌نمایاند و شاید بتوان گفت اولین تجربه رویاروی امام خمینی (ره) با رژیم پهلوی بود.

ایران‌جولانگاه استعمارگر دیگری به نام آمریکا شد [۱] و از طرفی بعد از کودتا و سرکوبی گروه‌های اسلامی و ایجاد خفقان و جو رعب و وحشت، حوزه‌های علمیه کمتر به تحولات سیاسی توجه نشان می‌دادند. به طوری که در فاصله سالهای ۳۲ تا ۴۱ علی رغم وقوع جریانات مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تحرک گسترده‌ای از طرف حوزه‌ها و روحانیت به جز چند مورد خاص دیده نشد. مبارزات فدائیان اسلام توسط شهید نواب صفوی نمونه‌ای از آن بود که رژیم از ترس توسعه تفکر سیاسی و مبارزاتی در حوزه‌ها به شدت آن را سرکوب کرد. دور شدن از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و تا حدودی تفکر جدایی از سیاست به تدریج امری عادی شد. و بعضی آن چنان افراطی بودند که اگر افرادی صحبت از سیاست و یا حرکت‌های سیاسی مسلمانان در گوشه و کنار جهان اسلام می‌نمودند. مدت‌ها مورد توجه قرار نمی‌گرفتند، بلکه به عنوان فرار از درس و حوزه مذمت می‌شدند. [۲]

این جو اختناق با به وجود آمدن سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در سال ۱۳۳۵ شدت بیشتری پیدا کرده بود. سازمانی که نه تنها مأموریت مقابله با حرکت‌های ضدآمریکایی در ایران را بر عهده داشت، بلکه مأمور مقابله با کلیه اقدامات و تحرکات سازمان‌های منطقه را که به نوعی جنبه ضدآمریکایی داشتند را به عهده داشت. [۳]

با پیروزی حزب دمکرات آمریکا و به ریاست جمهوری رسیدن کندی بود. این اوضاع با اتفاقی در خارج از مرزهای ایران مقداری عوض شد. شاه ایران با پرداخت مبلغ قابل توجهی، برای هزینه فعالیت‌های تبلیغاتی نیکسون، نشان داد که با شناخت از کندی، تمایل دارد تا نیکسون از حزب جمهوری خواه - که از طرفداران سرسخت حکومت‌های خودکامه است - به ریاست جمهوری برسد. [۴]

شاه که حکومتش را مدیون آمریکا می‌دانست و برای ادامه سلطنتش نیاز به حمایت آنها داشت، برای خوش نشان دادن خود در شهریور ۱۳۳۹ با منصوب کردن شریف امامی به نخست‌وزیری و طرح شعارهای آزادی احزاب، فضای بازسیاسی و اصلاحات اداری

و اقتصادی با نظر انگلیس به استقبال حکومت آینده آمریکا رفت. و دولت مورد نظر شاه و انگلیس با شعارهای دولت کندی بر سر کار آمد، [۵] اما کندی اعتمادی به شاه و شریف امامی نشان نداد. و با تأکید خواستار بر کناری او و انتخاب امینی شد. [۶] علی امینی در اردیبهشت ۱۳۴۰ به قدرت رسید. دولت وی پس از انتصاب برنامه‌ها و اهداف خود را در سه محور اصلاحات ارضی، آزادیهای سیاسی و مبارزه با فساد اعلام کرد و برای اینکه محدودیتی برای تصمیم‌گیری نداشته باشد علاوه بر بازداشت تعدادی از مقامات نظامی و غیرنظامی، مجلس را که متشکل از عوامل شاه و انگلیس بود منحل نمود. و مصوبات دولت را در غیاب مجلس در حکم قانون قرار داد. [۷] با محدود شدن دستگیرها و شکنجه و اذیت و آزار زندانیان سیاسی گروههای سیاسی فرصت را مناسب دانسته، تحرکات خود را آغاز کردند. [۸]

واقعه مهم دیگری که در سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاد، رحلت آیت الله بروجردی مقتدرترین مرجع تقلید دهه ۲۰ و ۳۰ و رحلت آیت الله کاشانی بود. تجلیل بسیار باشکوه در مراسم تشییع و برگزاری مجالس ختم در سراسر کشور توجه محافل سیاسی داخل و خارج و خصوصاً زمامداران را که فکر می‌کردند بعد از کودتای ۲۸ مرداد، نفوذ و قدرت روحانیت کاهش یافته، به خود جلب کرد. به همین جهت شاه به منظور انتقال مرجعیت از ایران به نجف و حذف تدریجی نفوذ روحانیت در ایران به اقداماتی دست زد و در عین حال شاه احساس می‌کرد با وفات این دو شخصیت بزرگ، برای ادامه دادن به برنامه‌هایش مشکلی نخواهد بود. [۹] به دنبال مذاکرات شاه و کندی و موافقت‌های انجام گرفته امینی از مقام صدارت استعفا کرد، و علم بزرگ‌ترین بازیگر پهلوی در دهه ۴۰ جای او را در تیرماه ۱۳۴۱ گرفت. [۱۰] در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ اولین اقدام علم که باعث شد چرخ قیام به حرکت درآید. تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در دولت بود که در غیاب مجلس حکم قانونی را داشت. این لایحه به طور شخصی سه موضوع داشت:

۱- حذف اسلام از شرایط نمایندگی مجلس؛

۲- سوگند به کتابهای آسمانی در مواردی که طبق قانون باید به قرآن سوگند خورد؛

۳- تساوی کامل حقوق زن و مرد و شرکت زنان در انتخابات.

طراحان این لایحه، هدفی جز حذف تدریجی اسلام و نفوذ هر چه بیشتر یهودیان و بهائیان در پستهای حساس کشور و رواج فساد و بی‌بند و باری و در نهایت نفوذ سلطه اقتصاد، فرهنگ و سرمایه‌داری غرب نداشتند. رژیم که تصور مخالف نمی‌کرد، با مقاومت و مخالفت مراجع و روحانیت، خصوصاً حضرت امام خمینی (ره) روبه‌رو شد، و به شکل‌های گوناگون از جمله صدور اعلامیه و تلگراف به دولت شاه و سخنرانی اعتراض خود را به گوش شاه رساندند. [۱۱]

علی‌رغم مقاومت دو ماهه دولت و شاه، به خاطر پافشاری مراجع و گسترش حرکت‌های مردمی و هراس رژیم از بیداری و آگاهی بیشتر مردم درباره برنامه‌های آینده رژیم، علم در دهم آذر ۱۳۴۱ اعلام کرد این قانون قابل اجرا نخواهد بود. این خبر، خوشحالی مردم را به دنبال داشت ولی امام خمینی فرمودند: تمام اینها خیمه شب‌بازی و دروغ است. [۱۲]

حدود یک ماه بعد شخص شاه در اجتماع بزرگ کشاورزان اعلام انقلاب سفید نمود. و با بیان اصولی که شبیه قانون‌های قبلی بود اعلام کرد که روز ۶ بهمن را جهت قانونی کردن این اصول روز فراندوم ملی قرار می‌دهد. در این زمان باز هم علما و مراجع خصوصاً امام (ره) قاطعانه ایستادگی و مخالفت خود را اعلام نمودند. تا جایی که شاه مجبور شد در روز ۴ بهمن به قم سفر نماید و در صحن حضرت معصومه (س) سخنرانی کند. ولی علماء به مردم و روحانیون دستور دادند تا از خانه‌ها و مدرسه‌ها بیرون نیایند و این کار خشم شاه را برانگیخت تا جایی که روحانیت را ارتجاع سیاه نامید، و دستور داد تا سرکوب را با شدت بیشتری ادامه دهند. [۱۳] شاه فراندوم را به میل خودش برگزار کرد و نتیجه آن را حمایت ۹۹ درصدی اعلام کرده و این اصول را قانونی

شمر شدند. [۱۴] مخالفتها با اعلامیه و سخنرانی امام در اواخر اسفند ۴۱ مبنی بر اعدام عزای عمومی در نوروز ۴۲ شکل خاصی به خود گرفت.

دوم فروردین ۴۲ که روز شهادت امام صادق (ع) نیز بود. موقعیت خوبی برای مخالفان بود تا از اجتماع مردم که به خاطر عزاداری برپا شده بود استفاده نمایند و پیرامون وضعیت جاری کشور صحبت و راهنمایی نمایند. در ضمن رژیم هم برنامه‌هایی برای خود داشت طبق همان برنامه جلسه‌ای را که در مدرسه فیضیه برگزار شده بود را، بر هم ریختند و ضمن درگیری و سردادن شعارهایی به طرفداری از شاه و بر ضد مخالفین شاه، عده‌ای را مضروب ساختند و در برابر مقاومت عده‌ای از طلاب آنها را از طبقه فوقانی مدرسه به پائین پرتاب کردند. در همان روز همزمان با هجوم به مدرسه فیضیه قم قضیه مشابهی در مدرسه طابیه تبریز رخ داد. [۱۵]

فاجعه فیضیه تأثیر عمیقی بر توده مردم و روحانیت گذاشت. اما بعد از این واقعه پیام مفصلی برای علما نوشتند و در این اعلامیه شخص شاه را مورد هدف قرار داده، و با بیان اینکه شاه دوستی ضربه به پیکر اسلام و قرآن است، تقیه را حرام و اظهار حقایق را واجب دانستند. (ولو بلغ مابلغ) هرچه می‌خواهد بشود. [۱۶] در چهلم شهدای فیضیه نیز پیام مهمی را که جامع مواضع قاطع و سازش ناپذیر سیاسی و انقلابی بود خطاب به ملت صادر کردند. برای شاه که امکان بازگشت وجود نداشت. به جهت ترس از سرنگونی سلطنت توسط آمریکا، چاره‌ای جز خشونت و ایجاد رعب و وحشت نبود. تا جایی که شخص شاه سخنرانی تهدیدآمیز برای مردم در ۲۸ اردیبهشت داشت. [۱۷]

با پیامی به علما و گویندگان و هیأت‌های عزاداری در آستانه محرم و مشخص کردن محور بحثها و نوحه‌ها وضعیت بی‌سابقه‌ای را ایجاد نمود که زمینه ساز آمادگی برای قیام و فداکاری برای اسلام و استقلال کشور شد. [۱۸] عصر روز عاشورا امام بیانات مهمی را ایراد فرمودند که در تاریخ انقلاب شهرت دارد. سخنرانی امام که از سه محور عمده برخوردار بود (اول مقایسه شاه و یزید، دوم خطر اسرائیل، سوم دفاع از اسلام و روحانیت) [۱۹] باعث تقویت روحیه مردم شد. این سخنرانی می‌توانست باعث قیام بزرگی بشود. به همین جهت سران رژیم در روز یازدهم محرم (۱۴ خرداد) پس از یک جلسه طولانی و با پافشاری علم تصمیم به دستگیری و محاکمه تعدادی از علماء و شخصیت‌های انقلابی و در رأس آنها امام خمینی گرفتند. ساعت چهار صبح روز ۱۲ محرم ۱۳۸۳ (۱۵ خرداد ۴۲) نیروهای امنیتی با محاصره منزل امام ایشان را دستگیر و به تهران منتقل کردند. [۲۰]

این خبر پس از پخش شدن باعث هیجان مردم شد. مردم پس از اجتماع در منزل امام به اتفاق حاج آقا مصطفی به سمت حرم حضرت معصومه حرکت نمودند. پس از مدتی صحن مطهر و خیابان‌های اطراف مملو از جمعیت شهری و روستایی شد که شعار یا مرگ یا خمینی را تکرار می‌کردند. [۲۱]

حدود ساعت ۱۰ صبح تعدادی نیروی مسلح برای تقویت نفرات شهربانی قم وارد شهر شدند. قبل از ورود آنها درگیری‌ها بیشتر با باتوم و گاز اشک‌آور بود. بلافاصله بعد از ورود نیروهای کمکی تیراندازی و رگبار مسلسلها شروع و تعدادی از مردم زخمی و بعضی در خیابان‌ها شهید شدند. کشتار و تیراندازی تا ساعت ۵ بعدازظهر ادامه داشت. [۲۲] در تهران نیز مشابه همین راهپیمایی و کشتار مردم تا حدود ساعت ۵ بعدازظهر در مناطق مختلف ادامه داشت. حرکت مردم و کشاورزان پیشوای ورامین و کشتار آنها در بین راه نیز از وقایع فراموش نشدنی این روز است. [۲۳]

و این روز خونین مانند روزهای دیگر به پایان رسید. اما تأثیرات این قیام به خاطر ویژگی‌های خاص و منحصر به فردش پایان

پذیر نبود. و تا بلوغ این نطفه و به بازنشستن درخت انقلاب ادامه پیدا کرد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۵۶۲/امام-قیام-پانزده-خرداد>